



روابط هند و آمریکا دوری راهبردی یا تاکتیکی؟

هند اختلافات خود با آمریکا را محدود و در سطح دوجانبه نگاه خواهد داشت و به هیچ بلوک قدرتی علیه دیگر قدرت‌ها نخواهد پیوست. در تحولات جاری عرصه بین‌الملل باید به یک موضوع بسیار مهم توجه کرد: امروز جز در مواردی نادر، اساساً پایداری سیاست‌ها در روابط کشورها و سیاست خارجی آنها نسبت به موضوعات بین‌المللی نسبی است و در بسیاری از موارد راهبردها، اتحادها و ائتلاف‌ها، از عوامل و رخدادهای مختلف تأثیرپذیر هستند؛ چنانکه می‌توان از آن به عنوان عصر «راهبردهای تاکتیکی» نام برد. بعد از جنگ جهانی دوم تا پایان جنگ سرد، نوعی پایداری نسبی در راهبردها و سیاست‌های دولت‌ها در خصوص ائتلاف‌ها و روابط با یکدیگر وجود داشت، زیرا دو ابرقدرت و متحدان آنها، پایداری نظم دوقطبی را در راستای منافع خود می‌دیدند. ولی با فروپاشی شوروی سابق و تأکید آمریکا بر نظام تک‌قطبی، جهان به سمت بی‌نظمی پیش رفت و آمریکایی که خود را حافظ نظم جهانی پس از جنگ جهانی دوم معرفی می‌کرد، خود به عامل اصلی در برهم‌ریختگی نهادهای منطقه‌ای و جهانی در حوزه مقررات بین‌المللی و حقوقی تبدیل شد. با روی کار آمدن ترامپ که شعار «اول آمریکا» را مطرح کرد، این بی‌نظمی جهانی و نفی حقوق بین‌الملل و مقررات جهانی به اوج خود رسیده است. بنابراین می‌توان با قاطعیت گفت که دوستی و دوری کشورها با یکدیگر از جمله در روابط آمریکا و هند از قاعده فوق‌پیروی می‌کند؛ همچنان که اگر تا چندی قبل، روابط این دو کشور از جمله‌ی روابط نمونه در دوستی دو کشور بود، اما به‌خاطر عدم توجه هند به خواست ترامپ که شدیداً تمایل دارد تا خود را به عنوان خاتمه‌دهنده جنگ بین هند و پاکستان معرفی کند، به سrdی گرائید، ممکن است در آینده نزدیک روابط آنها مجدداً گرم نشود و ترامپ و مودی سخنانی را مطرح کنند که گویی اختلافی با هم نداشته‌اند. البته این وضعیت به آن بستگی دارد که هر دو طرف در بخش‌هایی از خواسته‌های خود تجدیدنظر کرده باشند. با توجه به شعار ترامپ در مورد «اول آمریکا» به نظر می‌رسد که دیگر آمریکا نتواند در هیچ تشکل چندجانبه‌ای مانند گروه ۷ یا نشست چهار جانبه آمریکا، ژاپن، استرالیا و هند حضور آسانی داشته باشد. رفتار نابه‌هنجار آمریکا با سران کشورهای اروپایی که برای همراهی زلنسکی رئیس‌جمهور اوکراین به واشنگتن رفته بودند تا موضع او را تقویت کنند، در همین چارچوب معنی می‌دهد. ترامپ، خود و آمریکا را برتر از همه می‌داند و نمی‌تواند در تشکل‌های چندجانبه جایگاه خود را با دیگران برابر بداند، بنابراین فقط می‌تواند در روابط دوجانبه آن هم به شرطی که طرف مقابل به نوعی برتری شخصیت ترامپ را بپذیرد، حضور داشته باشد. لذا عدم حضور ترامپ در نشست چهار جانبه هند به موضوع اختلاف ترامپ با دولت‌مردان یک یا چند کشور آن هم به لحاظ راهبردی مربوط نمی‌شود، بلکه به شعار «اول آمریکا»ی ترامپ باز می‌گردد که نمی‌تواند رفتار برابری با بقیه اعضا داشته باشد. ولی در روابط دوجانبه، طرف مقابل او پوتین باشد یا مکرون، یا هر شخصیت سیاسی دیگر، او در قامت رئیس‌جمهور برتر حضور می‌یابد و کیش شخصیتی خود را به نمایش می‌گذارد. سیاست هند برای ارتباط با دیگر کشورها مبتنی بر «استقلال راهبردی» است. هند در اجرایی ساختن این راهبرد، تأکید دارد که خود را متعهد به هیچ قدرت و تشکل بین‌المللی نکند و منافع ملی هند را بر منافع تشکل‌های بین‌المللی ترجیح دهد. در چارچوب همین راهبرد نیز، حضور در سازمان همکاری شانگهای یا بریکس یا هر تشکل دیگر تا جایی اهمیت دارد که منافع ملی هند را تأمین کند. براساس این راهبرد، هند وارد هیچ بلوک یا جبهه ضد غربی نمی‌شود، همچنان که مودی، نخست‌وزیر این کشور با نوعی زیرکی از هرگونه ائتلاف پنهانی با آمریکا علیه چین طفره رفته است. هند اختلافات خود با پاکستان و چین را نیز اختلافاتی دوجانبه قلمداد کرده و از ورود به ائتلاف‌هایی که دامنه تنش و بحران را افزایش دهند، پرهیز می‌کند. هند نه با آمریکا علیه چین و روسیه متحد خواهد شد و نه با چین و روسیه علیه آمریکا وارد ائتلاف خواهد شد. هند همان گونه که اختلافات خود با پاکستان را در سطح دوجانبه محدود نگه داشته، اختلافات خود با آمریکا را هم محدود و در سطح دوجانبه نگاه خواهد داشت و به هیچ بلوک قدرتی علیه دیگر قدرت‌ها نخواهد پیوست.

چهره
بین‌الملل

زنی که کوتاه نمی‌آید

درباره فرانچسکا آلبانیز گزارشگر ویژه سازمان ملل در سرزمین‌های فلسطینی

خاورمیانه را در پیام‌های ساده‌ای ارائه می‌دهد: «غزه، گرسنه است و اسرائیل همچنان به بمباران آن ادامه می‌دهد.» او «اصول حقوق بشر را با همدلی ترکیب می‌کند»، این توصیف یکی از همراهانش از آلبانیز است. برای بسیاری، به‌ویژه برای جوانان و نمایندگان جنوب جهانی، او یک ستاره است.

در طرف دیگر، او عنصری نامطلوب است. نه فقط در اورشلیم. وقتی قرار بود آلبانیز در ماه فوریه در دانشگاه برلین سخنرانی کند، سفیر اسرائیل این سخنرانی را «تنگ» خواند. کای وگنر، شهردار برلین از حزب دموکرات مسیحی، با نادیده گرفتن آزادی دانشگاه، دخالت کرد. سه رویداد در آلمان، رسماً به دلیل نگرانی‌های امنیتی، لغو شد تا اینکه سرانجام حضور او انجام شد و حضور گسترده پلیس، از جمله افسران مسلح در داخل محل برگزاری، به چشم خورد. ظاهراً برنامه‌هایی برای دستگیری آلبانیز در صورت گفتن چیزی که به نقض قانون آلمان منجر شود، وجود داشت. او با هدف کاهش تنش از حد خود فراطرفه است. در گذشته، او درباره یک «لایه یهودی» قدرتمند سخن گفته است. او گاهی اوقات از اسرائیل به عنوان «قلندر منطقه» یاد می‌کند. پس از حمله حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، او اصرار داشت که قربانیان «در پاسخ به ظلم اسرائیل» کشته شده‌اند و به همین دلیل رسماً توسط آلمان، فرانسه و کانادا مورد انتقاد قرار گرفت. این زن کیست که خود را در مرکز طوفان سیاسی جهانی قرار می‌دهد؟

در خیابانی آرام در حومه لا مارسا، درست در خارج از تونس، عطر دریا در هوا معلق است. ویلاهای سفید در کنار هم ردیف شده‌اند و هر کدام با بوته‌های رنگارنگ گل کاغذی قاب شده‌اند. او آخر ماه مه است و صدای پرندگان با سروصدای نسبتاً نامحسوس ساخت‌وساز در هم می‌آمیزد.

دستیار آلبانیز در را باز می‌کند. او می‌گوید که در واقع دانشجوی دانشگاه آکسفورد است اما به او اجازه داده شده است که برای آلبانیز در اینجا تحقیق کند. او ما را به اتاق نشیمن راهنمایی می‌کند؛ جایی که میز قهوه‌خوری با صدها قطعه پازل پوشیده شده است. آلبانیز در اینجا با دو فرزند و همسرش که برای بانک جهانی کار می‌کند، زندگی می‌کند. دستیار می‌گوید که آلبانیز ویژه هنوز در حال نوشتن است و قرار است گزارش جدیدش ظرف چند هفته آینده در ژنو ارائه شود. آلبانیز در شبکه اجتماعی ایکس نوشته است که هر مصاحبه‌ای را که در آن از او در مورد اعتبار تعداد قربانیان در غزه سوال شود، ترک خواهد کرد. چند دقیقه بعد، او با بلوزی با طرح گل ظاهر می‌شود. لیخند نمی‌زند.

«یک ساعت وقت دارم.»

دستیارش یک لیوان با آرم سازمان عفو بین‌الملل با لبه‌ای تراشیده را جلوی خبرنگار گذاشته است. آلبانیز به سرعت آن را به سمت او می‌کشد و یک لیوان جدید درخواست می‌کند.

«یک لیوان بهتر برایت می‌آورم.»

او می‌گوید که دائماً با مردم نوار غزه در تماس است. او مکالمه را با این جمله شروع می‌کند: «احساس می‌کنم با کسی که ۱۰۰ سال پیش در اردوگاه کار اجباری بوده، در ارتباط هستیم.» او به چشمان خبرنگار نگاه می‌کند، انگار که سعی دارد ببیند این مقایسه بین اسرائیل و دولت نازی چه واکنشی خواهد داشت. او می‌گوید: «چرا آنها باید در سکوت و بیهوده بمیرند؟ چون اسرائیلی‌ها بیشتر شبیه ما هستند؟» نظریه او این است: «نژادپرست بودیم، نژادپرست هستیم»

گزارش آلبانیز با عنوان «آنانومی یک نسل‌کشی» حدود شش ماه پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ منتشر شد. در آن، او الگوهای سیستماتیک خشونت را توصیف می‌کند که فراتر از اعمال جنگ صرف است. تاریخ ممکن است در نهایت حقانیت او را ثابت کند. کارشناسان متعددی اکنون شروع به صحبت در مورد نسل‌کشی کرده‌اند. حکم دیوان بین‌المللی دادگستری هنوز در انتظار است.

چرا شما اینقدر نترس هستید، خانم آلبانیز؟

«این مسئله به جایی مربوط می‌شود که در آن بزرگ شده‌ام. من از منطقه‌ای می‌آیم که زنان این ویژگی را دارند. ما از میان بوته‌ها عبور می‌کنیم. ما بسیار رک هستیم. ما بر چانه صحبت می‌کنیم.»

زنی که خود را «دوش آب سرد» می‌نامد، روی استیج در مادرید، در سالتی پوشیده از سنگ مرمر نشسته است و لوستری گول‌پیکر از سقف آویزان است. فرانچسکا آلبانیز برای تماشاگران دست تکان می‌دهد. آنها حتی قبل از شروع صحبت او، شروع به تشویق می‌کنند. او فریاد می‌زند: «کودکان فقط به این دلیل که فلسطینی هستند کشته می‌شوند.» او نفس نفس می‌زند. «اسرائیل کودکان را مثل آب خوردن می‌کشد.» آلبانیز ناخن‌هایش را به رنگ قرمز لاک زده است، به همراه یک عینک تیره که به چهره زیبایش حالتی جدی می‌بخشد. او در طول سخنرانی‌اش، ۲۷ بار از اصطلاح نسل‌کشی استفاده می‌کند. او با یک خودکار قرمز نوک‌تیز به سمت تماشاگران می‌گوید: «ما باید نسل‌کشی را متوقف کنیم.» مردی فریاد می‌زند: «ما در سمت درست تاریخ هستیم.» پس از سخنرانی او صفی تشکیل می‌شود: دیپلمات‌های در حال آموزش، وکلا، هنرمندان برای آغوش، سلفی و امضا صف کشیده‌اند. آنها می‌گویند او «شجاع» است. یک «نماد» است. او کسی است که جرأت می‌کند حقیقت را بگوید.

فرانچسکا آلبانیز، ۴۸ ساله، یک حقوق‌دان ایتالیایی است که در سه سال گذشته گزارشگر ویژه سازمان ملل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین بوده و در حال حاضر یکی از شناخته‌شده‌ترین شخصیت‌های سازمان ملل است. او احتمالاً بیش از هر فرد دیگری در تاریخ این سازمان جنجال‌برانگیز بوده است: به عنوان صدای مظلومان مورد ستایش قرار گرفته، به عنوان یک یهودستیز بدنام شده است. برای یک طرف، او نماد امید است. برای طرف دیگر، نماد نفرت. او به جای پنهان شدن در پشت معانی دیپلماتیک، جنگ